

هفته‌های اخیر با شوک اخبار مرتبط با صادر شدن حکم‌های طولانی مدت حبس از سوی جنایتکاران رژیم ولایتی (به‌خصوص برای ۷ نفر از آنان که با اتهام‌هایی به‌لحاظ حقوقی موهوم و بی‌اساس در پرونده اعتراض‌های مجتمع هفت‌تپه روبرو بودند) و با واکنش و نارضایتی مردم و شبکه‌ها و سایت‌های اینترنتی همراه شد. مقارن گردید. کارگران هفت‌تپه و یاران زندانی‌شان در اعتراض‌های سال‌های اخیرشان عمدتاً دستیابی به ماه‌ها دستمزد و حق بیمه پرداخت نشده‌شان، لغو خصوصی‌سازی ویرانگر این مجتمع، و بازگرداندن آن به دولت را خواهان بوده‌اند. تقارن میان این حکم‌های طولانی مدت حبس برای فعالان کارگری و حمایت رئیس قوه قضاییه از برنامه خصوصی‌سازی، روشن و بی‌نیاز از هر توضیح و تفسیری است.

در سال‌های اخیر، علاوه بر تاراج منابع مالی کارگران در سازمان تأمین اجتماعی به‌وسیله مدیران و کارگزاران رژیم و تحمیل هزینه‌های ۲۶ قانون حمایتی مصوب دولت و مجلس به این سازمان، در راستای تضعیف و ناکارآمدی سازمان تأمین اجتماعی به‌سود جذب سرمایه شرکت‌های بیمه خصوصی امپریالیستی و جایگزین کردن آن‌ها با سازمان تأمین اجتماعی و تقویت آن‌ها.

## چرا "بانک رفاه کارگران" به حراج گذاشته شده است؟

موضوع واگذاری "بانک رفاه کارگران" در معاملات بورس ایران به یکی از مسائل جدی در هفته‌های اخیر تبدیل شده است. کارگران با واگذاری این بانک که محصول مبارزه و تلاش‌های کارگران و مبارزان جنبش سندیکایی میهن ما بوده است، به شدت مخالف‌اند. حراج اموال کارگران از جمله واگذاری بانک رفاه در معاملات بورس از جمله سیاست‌های رسمی ضد کارگری رژیم ولایت فقیه دانسته می‌شود. علاوه بر خصوصی‌سازی اموال و اندوخته‌های کارگران در "شرکت سرمایه‌گذاری سازمان تأمین اجتماعی (شستا)" رژیم چپاولگر ولایتی خصوصی‌سازی "بانک رفاه کارگران" تا پایان شهریورماه را نیز در برنامه دارد. رسانه‌ای شدن تصمیم به واگذاری "بانک رفاه کارگران" در معاملات بورس تهران در

نامۀ  
کارگری  
ضمیمه

مردم  
ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۲۴، ۲۵ شهریور ماه ۱۳۹۸



## پرستاران و خواست‌های آنان

در ماه‌های اخیر کارزارها و اعتراض‌های گسترده پرستاران کشورمان در برابر سیاست‌های ظالمانه رژیم ولایت فقیه را شاهد بوده‌ایم. بهره‌کشی سبعانه از پرستاران با اجرای سیاست‌های خشن تعدیل ساختاری و همراه با نگاه زن‌ستیزانه به این زحمتکشان عرصه شفای مردم، شرایط سخت معیشتی و بی‌امنیتی شغلی پرستاران را موجب گردیده‌اند. مانند دیگر زحمتکشان کشورمان، پرستاران مبارز به‌طور سیاست‌های ظالمانه و ساختار فاسد رژیم را دائماً به‌چالش طلبیده‌اند. اما در نهایت، حتی اگر به‌اصطلاح مجلس و دیگر نهاد‌های رژیم مجبور به تصویب خواسته‌ای می‌شوند، آن خواسته سالیان سال "پا فراتر از سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها و کاغذ [بازی‌ها] نمی‌گذارد."

پرستاران مشهد، با انتشار بیانیه‌ای، ۱۷ مردادماه ۹۸، "اهم مطالبات پرستاران" را به شرح زیر اعلام کردند: "اصلاح یا حذف قاصدک و اجرای قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری بجای قاصدک"، "حذف اضافه‌کار اجباری"، "پرداخت به‌روز کارانه و اضافه‌کاری‌های معوق"، "اجرای صحیح قانون بهره‌وری برای پرستاران شاغل در بیمارستان‌ها و فوریت‌های پزشکی"، "اصلاح فرمول محاسبه هر ساعت اضافه‌کار"، "رفع تبعیض و بی‌عدالتی فاحش بین اعضای تیم درمان و توزیع عادلانه امکانات رفاهی"، "تعیین تکلیف پرستاران شرکتی و حذف شرکت‌های واسطه و انجام قرارداد مستقیم با پرستاران"، و "اجرای صحیح قانون مشاغل سخت و زیان‌آور." برای دادن نمونه‌ای از

## مبارزه علیه خصوصی‌سازی ادامه خواهد داشت!

واکاو و مواضع قوه قضاییه پیرامون برنامه خصوصی‌سازی، صدور حکم‌های طولانی مدت حبس، و مقابله با جنبش سندیکایی زحمتکشان میهن ما سال جاری در حالی به‌پایان نیمه نخست خود می‌رسد که صحنه سیاسی میهن ما با تحول‌هایی پرشتاب و فوق‌العاده پراهمیت روبرو است. در این میان تأثیر تحریم‌های مداخله‌جویانه امپریالیسم آمریکا همراه با اثرهای ویرانگر اجرای برنامه‌های ضد مردمی اقتصادی-اجتماعی رژیم ولایت فقیه، موضوع نقش و جایگاه جنبش کارگری و سندیکایی در معادله‌های سیاسی و میزان تأثیرگذاری‌اش بر پویه رخداد‌های کشور را به بحث مهم روز تبدیل کرده است. این مباحث از آنچنان اهمیتی برخوردارند که علاوه بر طیف گسترده نیروهای انقلابی، مترقی و آزادی‌خواه کشور، در آن سوی جبهه مبارزه حاد طبقاتی کنونی، یعنی سران رژیم، ارگان‌های امنیتی، و تشکل‌های زرد حکومتی نیز هم بر آن تمرکز کرده‌اند و برنامه‌های چندوجهی خود به‌منظور جلوگیری از رشد جنبش کارگری را متناسب با توازن نیروها در هر لحظه معین تنظیم کرده و به‌اجرا می‌گذارند.

چندی است که در همین زمینه ابراهیم رئیسی، قاضی مرگ و یکی از بدنام‌ترین چهره‌های رژیم ولایت فقیه با سابقه ننگین و خونین در فاجعه ملی

ادامه در صفحه ۲

این بی‌پاسخ ماندن‌های سالیان سال خواسته‌های این زحمتکشان، مثلاً "قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری" در سال ۱۳۸۶ در مجلس تصویب شد، و به‌دنبال اجرای طرح به‌اصطلاح "تحول نظام سلامت" و اعتراض‌های گسترده پرستاران، قرار بود در سال ۱۳۹۳ اجرا گردد. اما به‌رغم برداشت هزینه‌های کلان طرح "تحول نظام سلامت" از اندوخته‌های به‌غارت رفته کارگران در سازمان تأمین اجتماعی، بخشی از خدمات پرستاری را هم به تعرفه‌های پزشکی اضافه کردند؛ کار را پرستار انجام می‌دهد اما به اسم پزشک ثبت می‌شود! "خبرگزاری ایلنا، ۱۰ مردادماه. با نزدیک شدن به سالگرد عدم پرداخت کارانه" و در اعتراض به پرداخت نشدن "اضافه‌کاری‌ها، حق لباس، مأموریت و عدم پرداخت دیون"، روز ۲ تیرماه ۹۸، همین خبرگزاری از "راه‌اندازی پویشی به‌نام 'من حقم را می‌خواهم'" را از سوی پرستاران آذربایجان غربی گزارش داد. پرستاران می‌گفتند: "تاخیر یک‌ساله در پرداخت معوقات مزدی پرستاران، همه برنامه‌ریزی‌های زندگی آنها را مختل می‌کند."

یکی دیگر از طرح‌های تقریباً جدید رژیم برای "ارزان‌سازی نیروی کار پرستاران"، طرح به‌اصطلاح "قاصدک" است. در طرح قاصدک "مقدار کارانه‌ای

ادامه در صفحه ۳

پیش به‌سوی سازمان‌دهی مبارزه منسجم و سراسری کارگران و زحمتکشان بر ضد ظلم، بی‌عدالتی، محرومیت، و سرکوب حقوق صنفی کارگران؛ برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری و در راه طرد رژیم ولایت فقیه!

## ادامه مبارزه علیه خصوصی سازی ...

کشتار دسته‌جمعی زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷، در قامت "قهرمان" مبارزه علیه "فساد" ظهور کرده و ردای پیش‌قراول نظام در "ستیز با فساد" را به دوش انداخته است. ابراهیم رئیسی در یک‌رشته اقدام‌های به‌دقت محاسبه‌شده و به‌پهنا "مبارزه علیه فساد" پیرامون مسئله‌های مبرم کشور به‌موضوع‌گیری پرداخته است که از آن جمله‌اند مسئلهٔ حاد مذاکرات هسته‌ای، موضوع حقوق دمکراتیک شهروندان، سمت‌گیری اقتصادی - اجتماعی رژیم، برنامه خصوصی‌سازی و حقوق کارگران. او با زبان تهدید، طبقه کارگر و زحمتکش را مخاطب قرار داده و برخورد قاطع با جنبش اعتراضی کارگران را در صدر برنامه‌های قوه قضاییه قرار داده است. او البته پس از صدور حکم‌های ظالمانه برای فعالان کارگری در پرونده اعتراض‌های هفت‌تپه، به مانور فریبکارانه‌ای دست زد و ظاهراً به‌منظور "بررسی عادلانه" این حکم‌ها دستوری ویژه صادر کرد تا به‌زعم خویش "در رحمت" را برای زحمتکشانش گشوده باشد. علت این موضع‌گیری‌ها چیست؟ سخنان و موضع‌گیری‌های جلال فاجعه ملی را درخصوص مبارزه کارگران چگونه باید مورد ارزیابی قرار داد؟ پرسش مهم‌تر اینکه، این موضع‌گیری‌ها چه هدف‌هایی را در اوضاع حساس کنونی دنبال می‌کنند؟

پیش از صادر کردن حکم‌های ظالمانه برای فعالان کارگری و رسانه‌ای، یعنی درست به‌موازات تشکیل جلسه‌های نمایشی بیدادگاه‌های انقلاب اسلامی برای سندیکالیست‌ها و فعالان رسانه‌ای، ابراهیم رئیسی در دیدار با نمایندگان کمیسیون اجتماعی و کمیسیون مشترک رسیدگی به لایحه اصلاح قانون مدیریت خدمات کشوری مجلس به‌بحث خصوصی‌سازی و همراه با آن به‌تهدید کارگران پرداخته بود. او در این دیدار سخنانش را با این عبارت آغاز کرده بود: "اعتراضات کارگری در کشور کم نیست و ما در حال رسیدگی به آنها هستیم." به‌عبارت دقیق‌تر، رئیس قوه قضاییه مدخل بحث و موضع‌گیری‌اش را به رشد کمی و کیفی اعتراض‌های کارگری و خطرهای آن برای رژیم اختصاص داده بود. این امر به‌هیچ‌روی اتفاقی و تصادفی نیست و نمی‌تواند باشد. مسئلهٔ اصلاح قانون مدیریت خدمات کشوری یکی از حساس‌ترین مباحث در جامعه ماست و با خواست‌های میلیون‌ها تن از کارگران و بازنشستگان کشور پیوند دارد. همچنین اصلاح این قانون از نقطه‌نظر سید سود و هزینه برای کارفرمایان و دولت نیز از اهمیت برخوردار است. چگونگی فعالیت نظام اداری کشور و فعالیت‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی همگی، به‌میزانی معین، زیر تأثیر قانون مدیریت خدمات کشوری قرار می‌گیرند. بنابراین، ابراهیم رئیسی، دانسته و آگاهانه، پا به میدان گذاشته و با اظهار اینکه: "امروز دشمن بر طبل آب‌س و ناامیدی می‌کوبد و ما همگی مأموریت داریم به‌گونه‌ای عمل کنیم که یاس بر مردم عزیزمان عارض نشود." او سپس منظورش را در قالب این عبارت‌ها بیان می‌کند: "بر این اساس لازم است نظام پرداخت حقوق در کشور عادلانه شود... ما معتقدیم به‌دلیل تخلف یک یا چند نفر، یک واحد تولیدی نباید فعالیتش متوقف یا تعطیل شود... هیچ‌کس با اصل خصوصی‌سازی مخالف نیست منتها شکل خصوصی‌سازی در کشور ما اشکالات ساختاری دارد. ... اعتراضات کارگری در کشور کم نیست و ما در حال رسیدگی به آنها هستیم. دغدغهٔ کارگران قابل درک است و باید دستگاه‌های مسئول مشکلات را حل کنند. منتها گاهی کسی در پوشش مسائل کارگری، اهداف دیگری را دنبال می‌کند که ما این قبیل اقدامات را نباید به‌حساب کارگران بگذاریم. خود کارگران باید مقابل کسانی که فضای اعتراضات کارگری را آلوده می‌کنند، بایستند" [ایسنا، ۴ شهریورماه ۹۸]. تأکید و پافشاری ابراهیم رئیسی بر اصل خصوصی‌سازی و تهدید کارگران، شاه‌بیت موضع‌گیری‌های او است. به‌این ترتیب رئیس قوه قضاییه با قاطعیت از برنامهٔ تعدیل ساختاری حمایت می‌کند و با تهدید کردن کارگران به کلان‌سرمایه‌داران و نیز امپریالیسم برای تضمین امنیت سرمایه‌هایشان پیامی روشن می‌دهد. ما بارها در مورد خصوصی‌سازی در رژیم ولایت‌فقیه گفته‌ایم که خصلت همکاری دولت و رژیم با بخش خصوصی، معرف ماهیت ضدتولیدی، غارتگرانه، و ضد ملی سرمایه‌های خصوصی‌ای است که در دلالی و واسطه‌گری به سوداندوزی مشغول‌اند و نابودی بنیة تولیدی و گسترش فقر در کشور را موجب شده‌اند. ابراهیم رئیسی آگاهانه و با هدف فریب افکار عمومی بحث خصوصی‌سازی را از ماهیت رژیم و عملکرد آن جدا می‌کند. از این‌روی، بحث دربارهٔ خصوصی‌سازی و بخش خصوصی به‌صورتی انتزاعی و خارج از چارچوب تاریخی - اجتماعی‌ای مشخص، فریبکاری غارت‌ثروت ملی و استثمار وحشیانهٔ کارگران و زحمتکشانش است. آیا سخنان ابراهیم رئیسی دربارهٔ وجود اشکال در شکل "اجرای" خصوصی‌سازی معنای دیگری می‌دهد؟! این موضع‌گیری‌ها دقیقاً همان هدفی را که ابراهیم رئیسی مأموریت اجرای آن را در مقام رئیس قوه قضاییه برعهده گرفته، بر ملا می‌کند. در همین ارتباط، اشاره به شباهت و

همانگی موضع‌گیری‌های ابراهیم رئیسی و روزنامهٔ کیهان حسین شریعتمداری خالی از فایده نیست. کیهان، ۲۶ مردادماه ۹۸، در گزارشی تحلیلی نوشت: "خصوصی‌سازی از نیازهای ضروری اقتصاد است، اما طی قریب به ۲ دههٔ گذشته دولت‌ها عمدتاً خلاف جهت خصوصی‌سازی واقعی حرکت کرده‌اند. ... باید گفت خصوصی‌سازی - همان‌طور که رهبر انقلاب فرمودند با توجه به حضور گسترده دولت در بخش‌های اقتصادی، برای کشور ما ضروری است اما وقتی اصول آن اجرا نمی‌شود و دولت هم به‌عنوان مجری آن، راه را برعکس می‌رود و در نهایت موفقیتی حاصل نمی‌شود، نباید ناگامی‌ها را به پای اصل خصوصی‌سازی گذاشت و آن را قربانی سیاست‌های اشتباه چند مدیر نمود."

سخنان ابراهیم رئیسی را فقط و فقط دادن تضمین به کلان‌سرمایه‌داران برای در امنیت بودن سرمایه‌شان می‌توان معنا کرد. درست به‌همین علت است که او شمشیر را از رو بسته است و فشار، تهدید، صادر کردن حکم‌های سنگین و نظایر این‌گونه اقدام‌ها از سوی قوه قضاییه در رویارویی با کارگران را شاهدیم. حزب ما بارها در موضع‌گیری‌هایش به این موضوع کلیدی اشاره کرده است که اجرای برنامهٔ خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصادی در رژیم ولایت فقیه بدون وارد آوردن فشار و سرکوب کردن جنبش کارگری - سندیکایی کشورمان ممکن نبوده و نیست. رئیس قوهٔ قضاییه با چنین موضع‌گیری‌هایی اطمینان لازم را در این مقطع زمانی حساس به کلان‌سرمایه‌داران و امپریالیسم می‌دهد که مجری همان برنامه‌هایی است که تا کنون اجرا شده‌اند، یعنی: برنامه‌های دیکته‌شده از سوی نهادهای قدرتمند سرمایه‌داری جهانی! اجرای برنامهٔ خصوصی‌سازی بر پایهٔ دستورهای صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نه‌فقط در ایران، بلکه در سراسر جهان، فاجعه آفریده است. فقر، استثمار وحشیانه، و فلاکت اجتماعی در مقیاسی همه‌گیر، وابستگی هرچه بیشتر به امپریالیسم، و نابودی تولید داخلی، پیامدهای اجرای این سیاست‌های نولیبرالی در چهار گوشهٔ جهان از جمله ایران بوده و هست و همچنان خواهد بود. مانورهای ابراهیم رئیسی روی مباحثی چون "اشکال در شکل اجرای خصوصی‌سازی"، خاک پاشیدن به چشم مردم به‌منظور تأمین منافع سرمایه‌های انگلی است، سرمایه‌هایی که تکیه‌گاه رژیم ولایت فقیه‌اند. آیا فاجعه واحدهای تولیدی مهم کشور مانند هیکو اراک، ماشین‌سازی تبریز، پالایشگاه کرمانشاه، نیشکر هفت‌تپه، و فولاد اهواز فقط به‌سبب اشکال در شکل یا روش اجرای خصوصی‌سازی بوده است؟ واقعیت زندگی کارگران و وضعیت واحدهای تولیدی خصوصی‌شده، پاسخ به این پرسش را آسان و روشن می‌سازد.

مبارزهٔ طبقه کارگر و زحمتکشانش میهن ما بر ضد خصوصی‌سازی ریشه‌هایی بسیار ژرف، و هم‌زمان، مضمونی سیاسی و صنفی دارد. به‌دلیل کاملاً عینی، پیکار زحمتکشانش علیه خصوصی‌سازی سرشتی سیاسی دارد. طبقهٔ کارگر میهن ما بر پایهٔ سنت‌های طبقاتی و انقلابی‌اش و به‌سبب اشتغال و فعالیت در دستیابی به حقوق صنفی‌اش در محیطی پلیسی و دیکتاتوری، به‌منظور ارتقای سطح مبارزاتی با پررنگ کردن جنبه صنفی مخالفت با خصوصی‌سازی هدف‌های سیاسی‌ای مشخص را خستگی‌ناپذیر پیگیری می‌کند. همین امر باعث می‌شود که رژیم ولایت فقیه و رئیس دستگاه قضایی آن از نگرانی ارتقای سطح مبارزهٔ کارگران به‌خود بلرزند و ضمن حمایت از خصوصی‌سازی به تهدید و ارباب کارگران ادامه و بدان شدت دهند. ابراهیم رئیسی با تدوین برنامهٔ سرکوب در حقیقت تداوم اجرای برنامهٔ تعدیل ساختاری شامل ارزان‌سازی نیروی کار، مقررات‌زدایی، و ایجاد مناطق آزاد تجاری، اصلاح کردن قانون کار و تأمین اجتماعی را به‌سود کلان‌سرمایه‌داران تضمین می‌کند. جلال فاجعهٔ ملی با این موضع‌گیری‌ها اطمینان می‌دهد که ابلاغیهٔ اصل ۴۴ ولی فقیه و برنامهٔ خصوصی‌سازی، همچون مقدس‌ترین برنامه‌های رژیم، ادامه خواهند یافت. در رقابت بر سر جانشینی رهبر بعدی جمهوری اسلامی، او در مقام یکی از مدافعان حفظ امنیت سرمایه و ادامه‌دهندهٔ میراث شوم ابلاغیهٔ اصل چهل‌وچهار علی‌خامنه‌ای و سمت‌گیری اقتصادی رژیم، به سرمایه‌داران داخلی و خارجی پیامی معین ارسال می‌کند.

تیلیغات پرسروصدا دربارهٔ مبارزه با فساد مالی، توجه‌ها در مورد شکل و روش اجرای خصوصی‌سازی، و بحث خنده‌آور "اهلیت افراد برای واگذاری‌ها" در خصوصی‌سازی‌ها، همگی، در خدمت ادامهٔ اجرای برنامهٔ راهبردی تعدیل ساختاری با محوریت آزادسازی اقتصادی است. طبقهٔ کارگر و زحمتکشانش ایران با پوست‌و‌گوشت‌شان اثرهای برنامهٔ خصوصی‌سازی را لمس کرده و می‌کنند و فریب این‌گونه تبلیغات و مانورها را نخواهند خورد. خصوصی‌سازی در دل برنامهٔ تعدیل ساختاری انجام شده و می‌شود و درست به‌همین علت منشا و مبنای نابودی امنیت شغلی طبقهٔ کارگر و زحمتکشانش محسوب می‌شود. جنبش کارگری - سندیکایی میهن ما با برنامهٔ خصوصی‌سازی و سیاست آزادسازی اقتصادی مبارزه کرده و خواهد کرد، زیرا تنها از این طریق می‌تواند به‌تأمین منافع و خواست‌های فوری نظیر: ترمیم و افزایش دستمزد، لغو قراردادهای موقت، احیای حقوق سندیکایی، و تأمین امنیت شغلی دست یابد. به‌رغم فشار دستگاه‌های سرکوبگر رژیم به‌ویژه قوهٔ قضاییه، ادامه در صفحه ۳

## ادامه پرستاران و ...

که به پرستاران تعلق می‌گیرد، شفاف نیست. معلوم نیست چقدر مربوط به اضافه کاری و چقدر مربوط به کارانه است. خانه پرستار خراسان رضوی، ۲۶ مردادماه ۹۸، طی نامه‌ای خواستار "اصلاح فرمول محاسبه قاصدک در دانشگاه‌های علوم پزشکی و رفع شبهه شیفت غیرحضور پرستاران در سازمان تأمین اجتماعی شد." پرستاران مشهدی در اعتراض به وضعیت شغلی خود، ۱۲ مردادماه ۹۸، در مقابل استانداری خراسان تجمع اعتراضی برگزار کردند. این پرستاران به "کاهش شدید و حتی منفی کارانه‌هایی که بر اساس طرح قاصدک محاسبه می‌شود و تبعیض و عدم اجرای صحیح قوانین پرستاری" اعتراض داشتند. درحالی‌که "۲۰ هزار پرستار بیکار در کشور داریم"، رژیم یکی دیگر از طرح‌های جدیدش به نام "طرح بهیاری یک‌ساله" را به منظور "ارزان‌سازی پرستاران" پیش کشید که با روبرو شدن با اعتراض گسترده پرستاران، "نهایتاً موفق به اجرای آن" از سوی وزارت بهداشت نشد [ایلنا، ۲۲ تیرماه ۹۸]. این طرح، علاوه بر تهدید سلامت بیماران در بیمارستان‌ها، با استفاده از "نیروی کار ارزان دانشجوی" به عنوان جایگزین پرستار، تخریب امنیت شغلی پرستاران را هدف گرفته بود.

بنا بر گزارش‌های ایلنا، در خلال مدت زمان سه هفته در مردادماه ۹۸، پرستاران در نقاط مختلف کشور ۴ بار مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. نشان داده نشدن "واکنش درخوری" از سوی وزارت بهداشت "موجی از همدلی و اعتراض پرستاران را برانگیخت." علاوه بر بیانیه‌های متعدد خانه پرستار خراسان رضوی، "نظام پرستاری شرق گیان"، "نظام پرستاری اردبیل و شهرستان‌های تابعه"، و جز این‌ها، ۲۶ مردادماه پرستاران مبارز کشورمان "کارزار در فضای مجازی" به نام "ته به خنوشن علیه پرستاران" راه انداختند و در ۲۷ مرداد، ساعت ۹ صبح در "یک کنش جمعی نیم ساعت سکوت کردند." بعد از مذاکراتی با مسئولان رژیم، ۱۷ شهریورماه، بار دیگر پرستاران مشهد بر تحقق "مهم‌ترین خواسته‌های خود" یعنی "اجرای قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری و افزایش دریافتی پرستاران" تا پیش از فرارسیدن اول مهرماه، تأکید کردند.

پرستاران در مقام بخشی جداناپذیر از جنبش زحمتکشان، مبارزه‌ای دلیرانه به منظور کسب حقوق‌شان پی گرفته‌اند. باید از این مبارزه حمایت و آن را تقویت کرد.

۱. اصطلاح‌هایی مانند "کارانه"، پاداش بهره‌وری، پاداش پیشرفت کار و... که تا حدی مشابه‌اند، به نوعی پرداخت مالی (غیر از حقوق ماهیانه) مربوط می‌شود که طبق تعریف هر شرکتی، برحسب میزان سودی که از فروش مازاد یا تولید خود به دست می‌آورد، آن را بین پرسنل تقسیم می‌کند. پرداخت "کارانه" یکی از روش‌هایی است که سازمان‌ها می‌توانند با استفاده از آن حقوق بیشتری به کارکنان‌شان بدهند بدون اینکه این افزایش حقوق روی سنوات، عیدی، و موارد دیگر تأثیر بگذارد.

## ادامه چرا بانک رفاه به ...

رژیم با اجرای به اصطلاح طرح "تحول نظام سلامت" و تحمیل حدود ۸۰ درصد هزینه‌های کلان این طرح به صندوق سازمان تأمین اجتماعی از سال ۱۳۹۳ به این سو، ضربه‌هایی مهلک به سازمان وارد آورده است. درحال حاضر دولت ۲۰۷ هزار میلیارد تومان به سازمان تأمین اجتماعی بدهکار است. مطابق گزارش اول مردادماه ۹۸ خبرگزاری ایلنا، "سازمان [تأمین اجتماعی] در هر ماه حدود ۳ هزار میلیارد تومان کسری بودجه و حدود ۴۱ هزار میلیارد تومان بدهی بانکی دارد... [و] سازمان تأمین اجتماعی به شش ماه دستور می‌دهد که سند اموال شرکت‌ها را... به عنوان ضمانت در بانک رفاه قرار دهد و وام بگیرد؛ وامی که اتفاقاً بهره آن بالای ۳۰ درصد است." در چنین شرایطی و با گذشت نیمی از سال، دولت امسال نیز حتی یک ریال از ۵۰ هزار میلیارد تومان "پیش‌بینی شده" در قانون بودجه سال ۹۸ بدهی خود به سازمان را پرداخت نکرده است [ایلنا، ۱۶ شهریورماه ۹۸]. در شرایطی که بنا بر محاسبه‌های رئیس کمیته دستمزد کانون عالی شوراهای اسلامی کار و گزارش ۱۷ شهریورماه ایلنا، سبد معاش "حداقلی" برای "خانوار ۳،۳ نفره" در مردادماه سال جاری تقریباً ۷ میلیون و ۵۸۵ هزار تومان است، حدود هفتاد درصد بازنشتگان تأمین اجتماعی حداقل بگیرند و مستمیری آنان یک‌ونیم میلیون تومان است، یعنی تقریباً یک‌پنجم مبلغ محاسبه شده حتی به وسیله این تشکل دست‌ساز حکومتی است.

سال گذشته، روحانی در جمع وزیر و مدیران وزارت کار، با اعلام اینکه: "در زمان آقای ربیعی (وزیر کار سابق)، دور و بری‌های ایشان می‌گفتند [سازمان] تأمین اجتماعی برای کارگران و مردم است و دولت حق دخالت ندارد." با اشاره بر "تأکید صد درصد رهبری روی به اصطلاح خروج از "بنگاهداری" سازمان تأمین اجتماعی و واگذاری" حتی اگر شده مجانی" شرکت‌های شستا، افزود: "ما شما را منصوب کردیم. این‌ها را جمع کنید." از آن زمان، علاوه بر رئیس‌جمهور، خامنه‌ای، رئیس مجلس رژیم، و رئیس قوه قضائیه، نیز بر خصوصی‌سازی اموال ملی تأکید کرده‌اند. اکنون واگذاری بانک رفاه دقیقاً در این چهارچوب صورت می‌گیرد.

ایلنا، ۲ شهریورماه ۹۸، گزارش داد: "جمعی از کارگران و بازنشتگان و مستمیری‌بگیران [سازمان] تأمین اجتماعی در کارزاری، نسبت به فروش اموال سازمان اعتراض کردند" و "در کمال صراحت"، آن را "دست‌اندازی به منابع و اموال و دارایی‌های این سازمان بین‌النسلی و متعلق به کارگران" دانستند. در مقابل، همین خبرگزاری، ۱۶ شهریورماه ۹۸، مطابق گزارش داد: "بعضی تشکل‌های زرد حکومتی نیز قصد دارند در این معامله به عنوان خریدار شرکت کنند!" این خبرگزاری روز ۲ شهریورماه است به اصطلاح بازداشت پوری حسینی، رئیس سازمان خصوصی‌سازی "به اتهام اخلال در نظام اقتصادی کشور و تضییع گسترده اموال عمومی و دولتی" خبر داد. اما کارگران هفت‌تپه نوشتند: "پوری حسینی رفت، ولی اصل خصوصی‌سازی به قوت خود باقی است. همین امسال ۶۰۰ نگاه دولتی در فهرست انتظارند تا در اولین فرصت همراه با کارگزارانشان به زیر تیغ کیوتین

خصوصی‌سازی بروند." هم‌زمان با کارگران کشت و صنعت هفت‌تپه، شرکت‌های آذرباب و هیگوی اراک تجمع‌های اعتراضی‌ای گسترده برگزار کردند. همان‌گونه که گفته شد بانک رفاه محصول تلاش خستگی‌ناپذیر کارگران و سندیکالیست‌های پیشکسوت میهن ما همچون رفقای قهرمان علی امید و تقی باقری است. اکنون بانک رفاه کارگران با در بر داشتن ۹ هزار و ۸۳۵ نیروی انسانی و با در اختیار داشتن یک هزار و ۲۵ شعبه فعال در سراسر کشور، در معاملات بورس به بخش خصوصی واگذار خواهد شد. مطابق برنامه رژیم این بانک به جای اینکه در جهت تحقق خواسته‌های معیشتی کارگران کام بردارد، به حراج گذاشته می‌شود. کارگران خواهان بازتعریف عملکرد این بانک به سود منافع خود هستند. آنان خواستار جلوگیری از واگذاری این بانک بوده و با سیاست رژیم ولایت فقیه برای تاراج اموال کارگران مبارزه می‌کنند. واگذاری بانک رفاه کارگران به بخش خصوصی از طریق معاملات بورس، دستبرد دیگری به اموال کارگران و زحمتکشان ایران است. بدون مبارزه‌ای متحد با رژیم فاسد و لغات‌کننده محصول مبارزات کارگران میهن، این رژیم به تجاوز به باقی‌مانده منابع مالی و اندوخته‌های کارگران و زحمتکشان ادامه خواهد داد. با مبارزه‌ای پیگیر می‌توان دست این رژیم فاسد را از غارتگری کوتاه کرد.

## ادامه مبارزه علیه خصوصی سازی ...

مبارزه با خصوصی‌سازی ادامه خواهد یافت. توقف خصوصی‌سازی اینک از یک خواست صرفاً صنفی کارگران فراتر رفته و به یکی از خواسته‌های جنبش همگانی ضد استبدادی تبدیل شده است. از مقطع زمانی بیکار قهرمانانه کارگران کارخانه هیگو اراک، پولاد اهواز و مجتمع نیشکر هفت‌تپه تا به امروز، طبقه کارگر ایران با حد اعلای فداکاری این خواست را عمومیت بخشیده و در جلب حمایت لایه‌های مختلف اجتماعی که از برنامه آزادسازی اقتصادی آسیب دیده‌اند تا حدی معین موفق شده است. بنابراین، با شعارهای پوچ و مانورهای نیرنگ‌آمیز نمی‌توان این خواست به حق را عقیم گذاشت یا حیل‌ه‌گانه مصادره به مطلوب غارتگران کرد. نکته آخر اینکه، صادر کردن حکم‌های سنگین از سوی دادگاه‌های انقلاب اسلامی برای مبارزان جنبش کارگری و سندیکایی و فعالان رسانه‌ای، سپس دستور ویژه رئیس قوه قضائیه برای بررسی "عادلا" پیرونده‌ها [پیرونده از برای چه جرمی؟]، و به دنبال آن نامه تملق‌آمیز وزیر کار به ابراهیم رئیسی درخصوص این دستور ویژه، و پیشنهاد تشکیل کمیته مشترک رفع مشکلات کارگران هفت‌تپه، همگی، مانورهایی فریبکارانه به منظور مقابله با جنبش کارگری‌اند. رژیم ولایت فقیه از سویی با حکم‌های طولانی مدت حبس-آن هم در وضعیت‌هایی که زندان‌های رژیم دارند- چنگ‌و‌دندان به زحمتکشان نشان می‌دهد، و از دیگر سو با تجدیدنظر کردن در این حکم‌ها، در درجه نخست واکنش گردان‌های جنبش مردمی و به‌طور کلی جامعه را می‌آزماید و از سوی دیگر متناسب با نوع واکنش و میزان تأثیر آن، سیاست‌هایش را در دو جهت: تهدید و تطمیع، سازمان داده و به اجرا می‌گذارد.

دست در دست هم‌میکرد، با اتحاد عمل گسترده، توطئه‌های رژیم ولایت فقیه را افشا و خنثا کنیم! تأکید بر احیای حقوق سندیکایی و پیوند هرچه محکم‌تر با جنبش همگانی ضد دیکتاتوری، پاسخ مبارزان و فعالان جنبش کارگری-سندیکایی به استبداد حاکم و جلاد فاجعه ملی است.



## سودجویی سرمایه‌داری از طریق بهره‌کشی از کارگران و تخریب محیط زیست



"کلمنس تونیس"، یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌داران آلمان است. او در برابر جمع کثیری بالغ بر هزار و ششصد نفر از جمله اسقف اعظم، در شهر "پادربورن"، ۱۰ تیرماه ۹۸، با لبخندی و تشویق محتاطانه جمعیت، بدون ابراز ناراحتی از شنیدن سخنانی نژادپرستانه و تحقیرآمیز درباره آفریقایها، به این سخنان واکنشی نیز نشان نمی‌دهد. او همچنین رئیس هیئت نظارت بر تیم فوتبال "شالکه صفر" است. نام کلمنس تونیس در فهرست صد نفر ثروتمندان عمده آلمان قرار دارد. او صاحب پرنفوذ گروه انحصاری صنایع غذایی "تونیس" است.

گروه تونیس با حدود ۱۶ هزار کارگر و کارمند در سطح جهان در سال ۲۰۱۸ با ذبح و فروش انواع گوشت توانست ۶/۶۵ میلیارد یورو درآمد به‌دست آورد. او یکی از تأمین‌کنندگان اصلی مواد غذایی مک‌دونالد و فروشگاه‌های دیگری مانند آلدی، لیدل، اِدکا و روه است. مجله اقتصادی فوربس آمریکا، دارایی کلمنس تونیس را حدود ۱/۴ میلیارد یورو تخمین می‌زند. این ثروت، کلمنس تونیس را از فوروردین‌ماه ۱۳۹۸ تا به‌امروز در مقام هشتاد و پنجمین نفر در میان ثروتمندان آلمان قرار می‌دهد. از نام تونیس در ارتباط با انواع فعالیت‌های مجرمانه یاد می‌شود: کسب درآمدهای عظیم در کارت‌ل رسوا شده معروف به "کام ایکس" که از دزدی میلیارد یورویی یا کلاهبرداری‌های مالیاتی آن حکایت دارد؛ تبانی کردن - با وجود ممنوعیت - در کارت‌ل گوشت و کالباس و وارد شدن به عرصه کشاورزی و تولید خوراک دام در کشور رومانی با دریافت بارانه‌هایی مشکوک از سوی اتحادیه اروپا. ۵ هزار نفر از کارگران مهاجر از اروپای شرقی که بسیاری از آنان در استخدام کارت‌ل تونیس هستند در شرایطی باورنکردنی همراه با دستمزدهایی پایین کار و زندگی می‌کنند. روزنامه "توبه وست‌فلیش" در سال گذشته گزارش داد که کارگران در مرکز گوشت تونیس مجبورند در گروه‌های ده نفره در یک آپارتمان هفتاد متری زندگی و روزی دوازده ساعت کار کنند. پس از کسر بلافاصله اجاره‌بهای آپارتمان از دستمزدها، دستمزدی بین ۹۰۰ تا ۱۰۰۰ یورو ماهانه برای هر کارگر مهاجر باقی می‌ماند. این چنین است که تونیس با پرداخت حداقل دستمزد، ثروتمند و فربه شده است. در شرکت اصلی تونیس در شهر ردا، از ۶ هزار و ۳۰۰ کارگر و کارمند تنها ۳ هزار نفر قرارداد کاری دارند. کارگران این کنسرن بزرگ اغلب با قراردادهای موقت و بسیار کوتاه‌مدت مجبور به کار کردن هستند.

در شهر گوتس کارزار "اتحاد علیه گسترش شرکت تونیس" سازمان یافته است. نسبت به عملکرد کشتارگاه تونیس که یکی از بزرگ‌ترین کشتارگاه‌های آلمان است، انتقادهای زیادی می‌شود. پس از نمونه‌برداری از آب‌های رود اِمس، مشخص شد که میکروروب‌های وارد شده به این رودخانه از نوع میکروروب‌های مقاوم در برابر آنتی‌بیوتیک‌ها هستند. روزانه ۲۶ هزار رأس دام در این کشتارگاه کشتار می‌شود و هرآنچه غیرقابل بازیافت است و باقی می‌ماند از طریق کانال شهری سر از رودخانه اِمس درمی‌آورد. فعالان محیط زیست و سندیکاهای کارگری در این زمینه مبارزه‌ای سخت در پیش‌رو دارند. تونیس با خانم "لیس مون"، صاحب کنسرن "برتلسمان" و مدیر این سازمان رسانه‌ای پر قدرت، روابطی بسیار

نزدیک دارد و خیلی با یکدیگر خودمانی‌اند. انحصارهای گوشت و رسانه، در اتحاد باهم، راه رسیدن به قدرت سیاسی در برلین را هموار می‌کنند.

خانم "رانه کوناست"، وزیر پیشین کشاورزی و رئیس فراکسیون حزب سبزها، با آقای تونیس وارد "گفت‌وگویی مؤثر و پایدار" شده است. شرکت تونیس خیلی دوستانه می‌نویسد: "با احترام خدمت خانم کوناست عزیز و همچنین سپاس فراوان به‌خاطر ارزشی که برای گفت‌وگویی مؤثر و پایدار با ما قائل شده‌اید. نظر شما در مقام یک عضو پارلمان و کارشناسی دیرینه در عرصه مسائل مرتبط با سیاست‌های غذایی و حمایت از حیوانات برای ما بسیار مهم است. ... طرح و پیشنهاد شما برای تهیه و ارسال سوسیس و کالباس به استادیوم‌های ورزشی فوتبال آلمان با برچسب حمایت از حیوانات، مورد حمایت و پشتیبانی ما قرار گرفته است. در صورت تقاضای مصرف‌کنندگان در آلمان نسبت به ارسال این محصولات سریعاً اقدام خواهیم کرد." هر کس مانند خانم کوناست فکر کند که برای حفظ محیط زیست در وهله نخست فقط با زدن برچسب حمایت از حیوانات بر محصولات تولید شده از گوشت حیوانات بدون سلب مالکیت از زمینداران و در کل سلب مالکیت از انحصارها، بدون دگرگونی در توازن قدرت، بدون اقتصادی برنامه‌ریزی شده، بدون تأمین حقوق کارگران و به رسمیت شناختن حقوق سندیکایی زحمتکشان، بدون سوسیالیسم یا اجرائی نکردن عدالت اجتماعی، می‌توان به مقصد رسید یا آدم بدخواهی است یا بسیار ساده‌لوح. چنین افرادی در نهایت به نابودی بیشتر محیط زیست و افزایش بار هزینه‌ها بر دوش کارگران و زحمتکشان کمک می‌کنند. در ادامه این روند گوشت کالایی می‌شود که تهیه آن فقط از عهده ثروتمندان برخوردار آمد. کنسرن تونیس در نزاع‌های خانوادگی، تا آنجا که منجر کننده هم هست، بزرگ‌ترین شرکای خود را پیدا می‌کند. در این درگیری ما می‌دانیم چه کسی ضربه می‌زند و چه کسی تحمل ضربه را خواهد داشت. در این بین حقوق کارگران پایمال می‌شود و کنسرن‌های بزرگ از نیروی کار ارزان به‌ویژه کارگران مهاجر ثروت‌اندوزی می‌کنند.

ترجمه از: "عصر ما"، روزنامه حزب کمونیست آلمان (د ک پ)، ۲۵ مرداد ماه ۱۳۹۸، نویسنده: ریچارد کورل  
[https://www.unsere-zeit.de/de/5133/wirtschaft\\_soiales/11959/Da-weint-nicht-nur-das-Schwein.htm](https://www.unsere-zeit.de/de/5133/wirtschaft_soiales/11959/Da-weint-nicht-nur-das-Schwein.htm)

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.  
آدرس پستی:

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
<http://www.tudehpartyiran.org>  
 آدرس‌های اینترنت و «ای-میل»  
 E-Mail: [dabirxhaneh\\_hti@yahoo.de](mailto:dabirxhaneh_hti@yahoo.de)

ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۲۴  
 Nameh Mardom - Workers Supplement No. 24

16 September 2019

شماره فاکس و تلفن  
پیام گیر ما

004930  
23629727

